

باز خوانی جایگاه «کار» در اسلام از منظر استاد شهیدمر ترضی مطهری

«کار» نه فقط یک وظیفه اجتماعی که عاملی تربیتی است



کناکش

کار برای بسیاری از انسان‌های امروز بیش از آنکه آنطور که حضرت علی(ع) می‌فرمایند بزرگ‌تر ین تفریح باشد، نوعی عذاب است که از سر نیازهای گذران معیشت مجبورند به آن تن دهند. نگاه به کار دیگر همچون گذشته یک نگاه ارزشی نیست و انسان‌ها به نوعی خودشان را بندگانی می‌بینند که مجبورند هر روز صبح رأس ساعتی مشخص به شرکت، کارگاه یا کارخانه ورود کرده و تا سقف اضافه کار مجاز کار کرده و رأس ساعتی مشخص خروج خود را با گذاشتن انگشت بر دستگاه‌هایی که لحظه به لحظه حضور افراد را می‌سنجند تا مبادا ثانیه‌ای حقوق بیشتر داده شود، ثبت کنند. این نگاه را باید دستاورد سیستمی دانست

کار از منظر استادشهیدمر ترضی مطهری، نه فقط گذران معیشت که یکی از عوامل تربیتی است که کمتر بدان توجه می‌شود. ایشان معتقد است که نسبت کار و انسان نسبت تقدم و تأخر نیست که یکی را عامل دیگری بدانیم و فی‌المثال ببنادیم که تنها کار اثر و معلول انسان است، بلکه کار و انسان هم علت یکدیگر هستند و هم معلوم یکدیگر. به عبارت دیگر هم انسان سازنده و خالق و آفریننده کار خودش و هم کار (و نوع کار) خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است.

■ کار به‌عنوان وظیفه‌ای اجتماعی
شهیدمطهری این منطق را که بیکاری را نوعی پیروزی و ارزش و کار کردن را حاصل جبر احتیاج دانسته، نادرست می‌خواند و معتقد است اصلا در مسئله کار بحث «نیاز»

اولویت اول نیست، بلکه اولاً «کار» یک وظیفه اجتماعی است واز همین باب پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «معلعون من اللّٰی کله علی الناس» در واقع اجتماع حقّی بر گردن انسان دارد و یک فرد هر آنچه از کفش و لباس و غذا و... مصرف می‌کند به نوعی محصول «کار» دیگران است و به همین جهت اگر کسی بخواهد از زیر بار کار شانه خالی کند همان فرموده پیامبر است که سنگینی او روی دوش دیگران قرار می‌گیرد، بدون اینکه سنگینی از دیگران به دوش گرفته باشد.

■ کار از منظر سازندگی فردی

اما این تنها منطق تقدس کار در اسلام نیست و اسلام کار را تنها به جهت وظیفه اجتماعی مقدس نمی‌شمارد. شهیدمطهری معتقد است علاوه بر این وظیفه اجتماعی،

کار از نظر سازندگی فرد یک امر لازم است و به همین جهت می‌توان و لازم است که کار را از جنبه تربیتی نیز به بحث گذاشت. استادشهید خود براساس چند ساحتی بودن انسان، مسئله کار به‌عنوان عامل تربیتی را از شش دیدگاه «کار و تأثیر بر جسم»، «کار و قوه خیال»، «کار و آزمون خود»، «کار و فکر منطقی»، «کار و احساس»، «کار و شخصیت» به بحث می‌گذارد. ایشان معتقد است: «انسان یک موجود، به یک اعتبار، چند کانونی است. انسان جسم دارد، انسان قوه‌خیال دارد، انسان عقل دارد، انسان دل دارد، انسان... کار برای جسم انسان ضروری است، برای خیال انسان ضروری است، برای عقل و فکر انسان ضروری است و برای قلب و احساس و دل انسان هم ضروری است.»

اندیشه

پادشاهانی که دست به هر جنایت و خیانتی می‌زدند، به انفجار و گناه کشیده می‌شود؛ چراکه انرژی خود را در راه صحیح خرج نکرده است.

استادمطهری برای اثبات مدعای خود داستانی را از روزنامه‌های وقت نقل می‌کند: «در یکی از شهرهای کوچک ایالت فیلادلفیای امریکا در خانواده‌ها قمار آنقدر رائج شده بود که زن‌ها به آن عادت کرده بودند و در خانه‌ها به صورت یک بیماری رواج یافته بود و شکایت همه این بود که زن‌ها دیگر کاری غیر از قمار ندارند. اول این را به عهده واعظ‌ها گذاشتند که آنها این بیماری را از سر مردم بیرون ببرند، ولی آخر بیماری علت دارد؛ تا علتش از میان نرود که بیماری از بین نمی‌رود. واعظ‌ها شروع کردند به موعظه در زیان‌های قمار و آثار اخروی آن، ولی اثر نداشت. یک شهردار پیدا شد و گفت که من این بیماری را معالجه می‌کنم. آمد کارهای دستی از قبیل بافتنی را تشویق کرد و برای زن‌ها مسابقه‌های خوب گذاشت و جایزه‌های خوب تعیین کرد. طولی نکشید که زن‌ها دست از قمار کشیده و به این کارها

د

شهید مطهری شرط تأثیر کار به عنوان عاملی تربیتی را که بتواند فرد را از گناه دور کند، علاقه انسان به کار انتخابی خود می‌داند، چرا که اگر کار مورد علاقه و منطبق با استعدادهای فرد نباشد و فرد بخواهد تنها آن را برای مز و در آمد انجام دهد، این اثر تربیتی نخواهد داشت و شاید تأثیر عکس نیز بر روح گذاشته و آن را به فساد بکشانند

■ کار و تمرکز بر قوه خیال

آنطور که استادشهیدمر ترضی مطهری استدلال می‌کند وقتی انسان پیرامون مسائل کلی به‌طور منظم فکر می‌کند و از مقدماتی به نتیجه‌ای می‌رسد، او در حال تفکر و تعقل است، اما وقتی که ذهن انسان بدون اینکه نظمی داشته باشد و بخواهد نتیجه‌گیری کند و رابطه منطقی بین قضایا را کشف نماید، همین‌طور بی نتیجه‌از مسئله‌ای به مسئله‌ای کشیده‌شود، یک حالت عارضی است که اگر نتواند آن را در اختیار خودش بگیرد، انسان را به فساد می‌کشاند. در نتیجه انسان نیازمند تمرکز قوه خیال است و اگر این قوه آزاد باشد، می‌تواند منشأ فساد اخلاقی شود. کمااینکه امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «اگر توفس را به کاری مشغول نکنی، او تو را به خود مشغول می‌کند.» به همین جهت همواره باید نفس را به کاری مشغول داشت تا تمرکز باشد و مجالی برای فکر و خیال باطل نداشته باشد.

■ کار و جلوگیری از گناه

شهید منشأ بسیاری از گناهان را بیکاری می‌داند و انسان را به دیگ بخاری تشبیه می‌کند که اگر دائماً به آن حرارت داده شود و هیچ منفذی و درجه اطمینانی نداشته باشد به انفجار خواهد رسید و این انفجار برای انسان گناه است، لذا وقتی انسان نیرو و انرژی‌ای را از طبیعت می‌گیرد، این نیرو باید در جای خود و به درستی مصرف شود، در غیر این صورت کار انسان‌ها همچون

چرا مردم فاصله گذاری فیزیکی را رعایت نمی کنند؟

د

مفاهیم اصلی نظریه عمل منطقی که ما به پرورش قصد هستند، مشتمل بر نگرش نسبت به رفتار و هنجارهای ذهنی فرد است. نگرش فرد بر پایه ارزشیابی مثبت یا منفی وی از رفتار موردنظر استوار است. در رابطه با ویروس کرونا، فرد ممکن است، بپرسد «برای من رعایت فاصله‌گیری فیزیکی چقدر اهمیت دارد؟» یا «آیا به نظر من، فاصله‌گیری فیزیکی واقعاً تفاوتی در محافظت در برابر ویروس ایجاد می‌کند؟»

می‌نهد. اگر گروه اجتماعی همسانان فرد عقیده محکمی داشته باشد که رعایت فاصله‌گیری فیزیکی برای حفظ سلامت در برابر کرونا ویروس مهم است، فرد به احتمال بیشتری انگیزه پذیرش رفتار را خواهد داشت. رسانه‌های اجتماعی تاکنون نقش مؤثری در متقاعدساختن افراد به مانند در خانه ایفا کرده‌اند. برای مثال، بسیاری تصاویر پروفایل فیسبوک‌کشان را تغییر داده و عبارت «در...خانه...یمانیم را به آن ضمیمه کرده‌اند. این مثالی از هنجار ذهنی است که توسط گروه اجتماعی همسانان فرد تشویق شده و روی قصد فرد تأثیر می‌گذارد. به‌طور خلاصه، برای آنکه فردی عمل رعایت فاصله‌گذاری فیزیکی را بپذیرد، لازم است که قصد محکمی بدین منظور داشته باشد. عناصری که این قصد را تقویت می‌کنند، نگرش فرد به رفتار جدید و نیز تأثیر هنجارهای ذهنی هستند.

۳- نظریه شناخت اجتماعی (SCT): عناصر سازنده این نظریه نمایانگر تأکید مددکاری اجتماعی بر چشم‌انداز زیست‌محیطی هستند. نظریه شناخت اجتماعی می‌گوید که تغییر رفتار، تحت تأثیر تعامل دوسویه فرد، محیط فرد و رفتار است. این نظریه مشتمل بر تقریباً ۹ مفهوم است. در این مقاله، من به سه مفهوم مرتبطتر، اکتفا می‌کنم که به درک ما از تغییر رفتار وسعت می‌بخشند. لطفاً

کشف‌هاست؛ چراکه با کشف علایق و تلاش در آن زمینه، شاهکارهایی به وجود می‌آید، چون شاهکارها به اعتقاد استادمطهری بر آمده از عشق و علاقه است نه پول و درآمد و انسان هنگامی با عشق به کاری می‌پردازد، دیگر مباحث مالی برایش اهمیت کمتری خواهد داشت.

■ کار و فکر منطقی

با نظر استادشهیدمطهری همانطوری که انسان با کار تجربه پیدا کرده و علم به دست آورده است، کار روی عقل و فکر انسان نیز تأثیر می‌گذارد. در واقع انسانی که کار می‌کند، می‌داند حساب، منطق و قانونی وجود دارد، فلذا اگر می‌خواهد پول دربیارود از طریق قرعه‌کشی یا پیدا کردن گنج محقق شدنی نیست و باید براساس قانون عالم کار کند. بدین طریق انسان وقتی که در عمل وارد کار باشد، فکرش منطقی شده و رابطه علی و معلولی و سببی و مسببی را لمس می‌کند و این مقدمه‌ای بر انطباق فکرش با قوانین عالم خواهد شد و او می‌آموزد که منطق و افکار خیالی و رؤیایی راه به جایی نمی‌برد.



■ تأثیر کار بر احساس انسان

یکی دیگر از آثار کار تأثیرگذاری آن بر احساس انسان است که شهید این احساس را تعبیر به «دل» می‌کند و استدلال می‌کند که کار از جمله آثارش این است که به قلب انسان خضوع و خشوع می‌دهد، یعنی جلو قساوت قلب را می‌گیرد؛ چراکه بیکاری قساوت قلب می‌آورد.

■ کار و احساس شخصیت

یکی دیگر از فواید کار از نظر شهیدمطهری، مسئله حفظ شخصیت و حیثیت و استقلال است که تعبیرهای مختلفی همچون ابرو دارد. مطالعات امروز نشان داده است که کار در مسئله هویت‌بخشی به فرد بسیار مهم است. انسان در اثر کار و مخصوصاً اگر مقرون به ابتکار باشد، به حکم اینکه نیازش را از دیگران برطرف کرده است، در مقابل دیگران احساس شخصیت می‌کند. این مسئله از نظر اسلام آنقدر مهم است که حضرت علی(ع) در قصیده‌ای می‌فرمایند: «از مردم خواست از هر چیزی بیشتر دلت می‌آورد. وقتی که از دیگران بی‌نیاز باشی، هر کاری داشته باشی از همه مردم بلندتر تر هستی.»

■ نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که از منظر استادشهیدمر ترضی مطهری(ره) کار در عین اینکه معلول فکر و روح و خیال و دل و جسم آدمی است، سرنزنده خیال، عقل و فکر، دل و قلب و به‌طور کلی سازنده و تربیت‌کننده انسان است.

کار از منظر استادشهیدمر ترضی مطهری، نه فقط گذران معیشت که یکی از عوامل تربیتی است که کمتر بدان توجه می‌شود. ایشان معتقد است که نسبت کار و انسان نسبت تقدم و تأخر نیست که یکی را عامل دیگری بدانیم و فی‌المثال ببنادیم که تنها کار اثر و معلول انسان است، بلکه کار و انسان هم علت یکدیگر هستند و هم معلوم یکدیگر. به عبارت دیگر هم انسان سازنده و خالق و آفریننده کار خودش و هم کار (و نوع کار) خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است.

جف دریسکل، استاد مددکاری اجتماعی در دانشگاه ایالتی سیلم، ماساچوست، طی مقاله‌ای به نظریات و مدل‌های سلامت عمومی پرداخته است. این مدل‌ها ما را در تفسیر و پیش‌بینی تغییر یا عدم تغییر رفتار افراد و نیز علت آن یاری می‌کنند. در بيسکل در این مقاله به سه مدل «باور سلامت»، «عمل منطقی» و «شناخت اجتماعی» اشاره کرده است. در جمه این مقاله به همت زینب نصیری در کانال تلگرامی پنجره منتشر شده است که در ادامه آن را می‌خوانید. ■■■

ظهور غیر منظره و ناگهانی بحران ویروس کرونا تأثیر چشمگیری بر سلامت و به‌زیستی افراد، خانواده‌ها و جوامع داشته است. ما مددکاران اجتماعی در جایگاهی ویژه برای حمایت از افراد دچار بحران قرار داریم؛ چراکه بدین‌منظور تحصیل کرده و آموزش دیده‌ایم تا مداخلاتی در جهت حمایت از سلامت و تندرستی افراد انجام دهیم. تمرکز بر سلامت و تندرستی در حوزه مددکاری اجتماعی موضوع جدیدی نیست. مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC) راهبردهایی مقرر کرده که برای پیشگیری از انتقال یا ابتلا به ویروس کووید ۱۹ مؤثرند. یکی از این راهبردها حفظ فاصله فیزیکی با دیگران است. این عمل نام فاصله‌گذاری فیزیکی (و یا فاصله‌گذاری اجتماعی) به خود گرفته است. حفظ فاصله فیزیکی به‌نظر امر ساده‌ای است، اما در عمل عکس آن به اثبات رسیده است. همانطور که از سایر رفتارهای مرتبط با سلامت مانند استعمال سیگار و موادمخدر می‌دانیم، تغییر رفتار و اختیار کردن رفتارهای سالم‌تر می‌تواند دشوار باشد. حکومت‌های محلی، ایالتی و کشورها محدودیت‌هایی را به‌منظور حمایت از فاصله‌گذاری فیزیکی اعمال کرده‌اند. برخی از این استراتژی‌ها عبارتند از: محدودکردن رستوران‌ها به ارائه غذای بیرون‌بر، تعطیلی تمامی کسب‌و کارهای غیرضروری (مانند آرایشگاه‌ها و مراکز خرید)، تشویق به پرهیز از گردهمایی‌های بزرگ و انتقال کلاس درس مدارس و دانشگاه‌ها به پلتفرم مجازی.

بسیاری از افراد استراتژی‌های اعمال شده را توسط حکومت‌های محلی، ایالتی و کشورها پذیرفته‌اند، اما متأسفانه، هنوز افرادی هستند که در پیروی از پروتکل‌های فاصله‌گیری فیزیکی با چالش‌رویه‌رو هستند و ما روزانه شاهد نمونه‌های بسیاری از عدم رعایت پروتکل‌های فاصله‌گیری فیزیکی در رسانه‌ها هستیم؛ مثلاً دانشجویان جوانی که تعطیلات بهاره خود را به‌صورت دسته‌جمعی جشن می‌گیرند و نیز جوانانی